

# جامعة الجوف Jouf University

1

مردسمر: لرافياشِ عَلْ ثَلْدِ مُلِيَانِهِ

> د معام السيد يحوود مبدار ميد فينان المشارك بلسم الدراسات الاستاري ختية الداب جارمة بيشة





عال المساد شمال المعينة الرساد الي المساد عليها الإن المتيا بد. من من القراء مباد مرس المساد من مكورات الكرام و الأواد التيا يمعاء بإناء ما من الكور من التوس القاملي، كما مرس

مدید در است کارک در حال باز حیاه خورد پدرید ویوب در مینید امسر می ارشم در ایوبا در خارات رساط شد مد خارات ایران ایران میرد است رس بیان مید ماه بیشان امام رایان می اسم در استو ماه بیشان شاه ای است از استوان ایران سر در استوان











The mounts faith with the harbital issues included in rate of other chillegenis. Where he radiod is the rais of the infinite origins and sim of the position before and other the position; in a taken about the infinitely; of sugar-rate for track of Hanes or Maken, the mounts presents the abilities of sugar-rate tracks, the rate is white, the suggisters rate, and have no strain range from it

May .



#### 67.35 Children behavioren

فلاغة والمساورات مثل يسول الأوطراقة ومساوية ومنهم

يد. اون واي تصور د کار شاه پداد به از عراضد

مان تفوده الإسلامية ويراثم الإراشيق الفيدة المسيعة علاقات ومن الكام والمناويض الريكور من أول المستدد المدين والارسى فال الفيدة الإسلامية

ر الدر موجود المحدود الما المواقعة والمحدود المداخلية ا

ر ما صر چند دار ساید شاو همیدارید از از دارد در د دهد شاور از از در از است چند باشین به در شده شیر به از دار بد دارند شاند

#### -

A announce de la light de la companya del la companya de la companya del la companya de la company



The property of the control of the property of the control of the

#### \_

- رجوز رعو والشو على الأرداء فإ الإرداء و
- 1600 stades
  - and the second second
    - SALES A ACROSS
- والمعاول والمرابع والمعاومون
  - Charles Mark Co.
    - and the first series
      - Andreas I
        - to be with
  - And the particular and particular and particular and the second of the s
    - . . .
- ل الأي الاسخ المنافقة المساورة المساور
  - ريستان كالآلي: اللحاد والامل على موسوع البعاد وأمياد الجارة ومهو الدراء فوصلة البعاد



د مولد موسولون فالوقو مثل يوران كرانية والمهاد ومدانس الإسال الأند

ارا د مساولید و توکه رید مقدد: ب فارا د مساولید

بردان مساورة من اسر جمارات روده شاب

شيائل ميدنس شياعي عودس شياعت عودس

طب شر می

ول خالف الرواحي المدارك والمدارك المراجعة المدارك الم

# فاستعرف والمراجع والمحروب

ردس فالتردش في طر تشبته السيدس ال فتنزير في لير كانت الشياد في يتكون السناسية

در الموادي المواديد المواديد

هار التوجيعي الوقد مثل الأليان التركيبية إلى ادرة من الداخلية في يقدم في الأليان أدامة حد في القدر ويكن اليها مداد في السع في فا كان المسروان المراوز في من الكان أن ا ويكن التركيبية في في من الأليان ويكان مؤولة ويتطوعا المسابها المنافذة التي الذات الماكنة المنافذة المنافذة الم

ولاً ذكر الشرق في صدر الله رويان موافق يعقوه الصابح ال الموافق المستورة الله بعد مواد مشارة الله في الموافق الموافق الموافقة والحكم وصدرة المدافقة الله الله الله المحافظة الله يعلن المساورة المساورة الموافقة الموافقة المائمة المائمة المائمة الموافقة المائمة الموافقة المائمة الموافقة المائمة الموافقة المائمة الموافقة الموافقة

-0

ر الله مع المحافظ الم

COLUMN TO SERVICE



المعادد التي ولم المدورات بالمعافد معادر الرحاب ويدمان المنابقة المراشد اللهادة المترافقة والقرارات وي معادد إلى على القرار المار القرار المسادد المار وين المعاد الميا القرار والمراشد المارات المعادد المارات المارات المارات

ا و بده هی از خدای سر مدن باشدن یا شده و بد بر بخر. ها و اشدر ای برای برای هم به سر باش بیشد بردی برد. مشر به مدن ای بسر بدید مد به است که بیش که بردی بردی ای با و از کار تایان برای ایس به بدید با نظر سب خدای بیش و این از می شد. ما و باشان ایش این به ما در کار سر است که بردید بیشان

المستقبل ال



المناسبة على المناسبة المناسب

عدم من والمعادث ويدمن الإنشارة بيان والمتهافي من إربيد رادم ويراس الإنشان الإنادة في الإناد وأفي يعام من الإنشان المتوادة في الإنادة

AND AND THE PARTY OF THE PARTY

# The second secon

#### المداخل والمداولات

د في الكور و الرياضية التاريخ التي الميارة الرياضية من التاريخ واليور وفق الكور من الأواد فال النياء وحدة وفال الأواد الميارة والكور أن الأداد والكور والمار الكور و المارة التي والمارة الأواد في والمواد و الأداد ( )

، مناطق صور فاقتوطيه بيديد، وصورته الكان في بديس الله عاديدي الاراب سنافاتك ب ليسانف السرارة في الإنا

راق ما البحد لين مجد المحد بالبحد الألياء والالك ال وما المحدة الدرامية؟

#### فرهد تاصما كالدراصة

المنطقة في في المستندة والمراقب المستندة. المائل المستركز والمراقب المائل المائل المستندة المنطقة. والمراقب المستندة والمراقب المستند يستدا

المروس المسامر الرمواني المسامر والمراسيس والم

موسسو ديوده والوحقون تركيك

بع برخید رض فی فائد الدس و الدخصاء او بعد ط حق حد در حواجع فید واقعم فید بالا حق و ادامه باسم الجالاً:

الاستان وستاح مطاب برداد شدد را میز بوده از بنام چار از ساز رساد پیرستا شارا ایسان برصا شید از

اوسر طها رسم دی سها" رف طور است به سرخته طرخت اسار دونه طوری طرخته رف طوره خرخت اسار برست دارازدی

رساند ادا کی گزارشان کی معمولی بیش انتها در بازی کا انتها از استان کی با انتها از استان کی بازی از انتها از استان کی بازی از انتها از استان کی بازی از انتها از انتها کا انتها کی بازی از انتها کی بازی انتها کی بازی

الاردين بينا رسداف العالم في الايد فيم لين سميس كا مع الايد بار كان لايداف

ATTI AND AND ADDRESS OF THE ABOVE OF THE

المناطقة ال

not have

عن الشاق الكو عن بيد سيدة الله عن الريد القرار الميانة المرار الميانة الميان

السنة التابئ الصنة الأساس الكر فتر فترة ويعده

مط مند و سد جيد بر شر از دره دو دي م

. اد جارید بازند نیز مسینی بر دمراه از دهر میز درید سه

ومعلوماً الافاديد وارما عوسسيمو مواعدة أوانان والمراوع مواجعو الإندانس الهواني على ما الواجع

4

من من مداو المرافق الما الواقع المؤول في كن أنها المرافق المر

هاج کی خار مسئول علق دوبار و انتأ تکلب و انتقاد و اوبساج دوبر نکلب و انتقاق علیه این و فاق طب علی افز استان به رو آستان به نکلب و فات شداد دا و فهاد اقلین در انتسین ای استان نکلید. هارفات

ربين ده که سول ده مي او دارې دي بيده رست دي د د د د دې. په غړ صف اوليد در دغو دې دي. د را بختر اوليد شبخت د ارستيم ادرا دې درادومې

رماندی در دور مه مسافید تو تبدیشر الاند شد. در میانده افاد تو تبدیش استان از ده شاوید و داشد و افزینت شاه قبل افسار اند داد که بری د کشد ری داشد وی د که او دو می آن گذاشی به کشد ری دیگار نصور دادد راد کام در مشارک او دو می افزیا آمدزگ افزیاد شد راد کام در مشارک او داد می افزیا آمدزگ

and the same of the same of the same of

مناهما فيل تنوروسها لمنديج لمدورة ومخرم والرحاة

را من الإنام المحافظة من الراحان المستولات المن المناطقة المستولات المناطقة المناطق

رو ده در باز در چید کارد کرد. است بوده در پیده که خود از دارد. راه ماز در چید کارد کرد است بوده در پیده که خود از دارد.

And the second s

100 Ft 455 and

I.

ان پر مورد که این در دانگان کاران این میکند. این به مواد که این در دانگان کاران در مواد کاران در میداند.

هر این پر به احده شد در این این می این به این به این به این می این می این به این به این می این می داد. می در ا نام می این به به این به

Training

--/---

- according to the control of the co

### THE PARTY IS NOT A LOS AND ADDRESS OF THE PARTY AND ADDRESS OF THE PART

ل برنيمة مادر مرادر استيمون او الايد سميمون مر و هود المادل الله ابر الادل، بازماج، وبراطف وبر

رواز خوش مد مسيدون شد مان الاما من خان الاما من الدون الدون المان المان الدون الدون الدون الدون الدون الدون ا وقد الاراد الدون الدو

م الارافاد (الريم فسيت به فارقت بين الرسود مرادي أ رف شر الفائي جائيل وقر عام م الفراد (الروزان مسا الارد راديل م القر مدي م المار فليسائل فيه ، وأو الماران

200 March 200 Ma

د میدند. د میدند. د میدمود میزاد افغاز با به امار و افغاز افغاز افغاز با بازی افغاز افغاز با بازی افغاز افغاز افغاز افغاز افغاز

ية" الما ماريس واريس مساولياس وراسان الأراشية الأعداب ماشيرياس مديس الربية

الله الرائد الرائد الياسطير المارات المؤار الماديات الرائد الرائد الرائد الرائد الرائد الرائد المؤار المائد المؤار المؤار المائد المؤار المائد المؤار المؤا

الشيازي ماكناة. • في اليوان والدي عبد عبد موانوحا اليواني الناوات

القياب المورد الفيم". **و التقدي** الإرب الريكور الفي الرفطون في مان الروز با المعرفية. التر المعاد الريكور المكون عن الرجعية ديات اليمواليس ال

بغير رضح" - تاريد ماري مراج، فريندا خافيتراهمي، مار حافير صاريح، عاب لا غير جيس، بريكر مراج، - در اداره الانجام أفران الانجار مراج،

#### موامونستان دا

و الموازل و المهادر 10 ما 10 مواز بعد الموازيون موات در الله الله المعاد بموازلة الله

منا مطاول کارو دیا کند و اید و مدید در دو در برستان در در ش کارو دیکان و کار شده برسو در کار در در در

ا فاق الراحق الشركان بالكناء والآوات عنهم الماحق الكناء ويعمل الإما الأراد إلى الكراحة الراحة الماحق الماحق الأن القريقي الراحمة الله الكراحة الأمامة والدائد الراحة الماحق المراحة

د او زماد وهدوس می صف هره مو این افزون وی برای در در در و بر در او در در در در در خوب او زماد در در در در در در رم میده در در در در در

والله والمراجعة بالمعارض والمرافق المناسر والمرافق المناسر ال الإناسمين من الكوراناتية عن النواء اللايطو مناراتاني من الإنا

ان آرای می خراستان بید از کامل می این این به این به این بی این این بید از کیرو می این این بید این بید

,,--,,--

المانا مانامانات تامانات تامان والماناتين فراندينا

ر المواقع الم

صل والموافق ويتباط والمراب مستند الأخرافي المشاركاتو مرافق فقع في عسد الإراب اليا مرافقون إنه مكن اقامي لوركز إنساع المشار على الله وقال مكان

د بريشها فيدايي پدري شريز بدار ديد. بتر عديد فرزيز شيرياس بدييد فرايز

منها فاتن با الخويشتر والتنافيخ مدد عن الله الأول عليم والتي يبسل التام ، وقد ليس إلياد الا الراحد ليستان منك والقول من التاميل وإلى التوامل علا التناف إن ، عن الذي لرس إذا عد يبسل فود الأرافيل في أشاريرة

را تاریخ در دو تاریخ داود به دو دو در دو در سیمه در دو و در در سر سود سر همه میرای دارد و در در در سال در بید به این در در در در در در در داد در سال می داد. در در در داد داور و رود او در شد شده این در داد در دارد

ر که کندوز کندوز کرد و کامورد کند در خوارد کنند کوران کامورد کارد و کامورد کنند کرد. محمد که کامورد کام



در او به پیمید درب. شهد و شاه صوبه افضای و از شمی و درم دادگورید می دارد:

لیے قراصہ مل آزادی سینیزا در شاہر بدائیں۔ شہرات ہے در ایس پرزائی میں ایک موارد اندا ایس سے ایک باری در ایک میں ایک موارد اندا در انداز داؤر رافی افریکٹنڈ آخریک رائی ایک باریک ایک بیٹر نا شہر برزائی افریکٹنڈ آخریک ریڈر کی باریک ایک بیٹر نا شہر برزائی افریکٹر کیڈر کا ریڈر کیڈر کیڈر کا میں انداز در

... قار در خار حسدات داست الله على الهسمورة إل رحال واداره مها القرارات وادر معارض مساح درمار والي علودان الامراز الدر بالامادة الهسمورة من القرار مؤدد الدخورة أن والارز من مساعد أوالياء مسورة من

مواد میراث روز در سرخ بسامت آرافید سیرو در امار و بیراث ارافید فراد میراد در سرخ در دارد در سیرود

\_\_\_\_

شده شود که در چه در در پره ۱۳۰۰ در مدم و حل مودان که در میده در شدر مدین لیم مودان مید ریش که و صل میده برای میدر و از داشتر ید بر میدان میدر چهر میدم و بدت آیان از از می شود، به

الواقعية فعالمية وهي في من الأولى من الأولى الم والمائل المنافق المنافقة المنافقة المنافقة المنافقة والموافقة المنافقة والمنافقة والمنا

روا او دامور برامان العمل مداعو الماد المداع الماد المواجعة العمل مداعة الماد الم

و هيواني والمدوني (1000) المؤرات (10

-

مد به مدود دو ترجي طاح والحود الكورتوني في كدرتها المساور والمساور والمساو

#### -

993

و برا روی ساز افورسز الارد بر در صد استاند رفان سوار وحد عدیش افورانی در بد بربد افرانای اید ایران سوار خدد از افورا کردن طوران به برای در برای در برای در استان به سموران از ایران طور برای از استان از استان ایران میشار اگر شود دارد افضار به طوران را ایداد شده این هم

#### وموسومية مردد وموسومية مردد

 من مورد ۱۹۰۱ کار در سو آمون در مازد ۱۰ داد صور و ما رامود رامو در مردد ۱۰ داد ۱۹۰۱ کارد کارد و مازد در مازد ۱۹۰۱ کار رام زمان شود او و مازد (۱۹۰۷ کارد)



THE STATE OF THE S

ر است الدر در استان اللهم ليدر بهرا اللهم، وأراد الدراء من المعرض الل طلوعات اللهم في الأدر واستنارهم عيد ومن المها إلى خان اللهم عياساً " وازاراً" وإنا على من اللهم و

وہ کی اور شمید اور افضاد ہوں بھی اصحار ہی والیاد ہے۔ در عاد شدادہ ہوں مصافح العاد

and the second s

- 44-67-48

The property of the control of the c

Annual and Annual and

A CONTRACT OF THE PARTY OF THE

المراقعة المستوانية والمستوارة والمراقع والأور والشروب والمراقع والمراقعة و

المينا الميكن قرار الهاراتها به ددور سرد الاسم بها المع المكامل روس خاصاري روشاني والاستار الا الشي والاستار الروسة في مام الميكن في الأولى، الا المع والمسافر المي الدائم الميكن الميكن أن الا يجوز على المراب التي الم الميكن الشيخ الميكن الأولى الميكن الميك

های التاریخی میل الفقی التام بیش (۱۳۰۰ میدانای البرات). فراند --

شمانید تفرونیا نید و اسپرستان دو بر برخت ا**لد الله** ایاضید این شد. و یک سی. اینچ دانید :

الدخومية في ورد فها منا الشدول الايد فيلا منا، وفي المها المهيد الله و بدل أم الهيد بدل إلى الها والشراء اللها عدر الدب والذي الشار ، والمهمدال ما مها البرا

ما المراجعة في المراجعة المراجعة في من من المراجعة المراجعة المراجعة المراجعة المراجعة المراجعة المراجعة المرا المراجعة المراجعة

ريح الرفان بيرند ماميدان لدي يومك ديون مطاريك الفريد ميندونان يفام عصر الاندوناني ( شارها الاعتدادات

روسوسوس رید معارض فار پور فسطر طی الاید مر انتر استان در ان اعراز راستان طعی اینده اندید بالاید و مستوسهای و انتد

وقد خال من الها الله الموسى الم يد منون المام من الموسى المام والم منها، والموسى المام والمام منها المام في المن المام في المنها المام في المنها المام في المنها المام في المنها، والمام المام في المنها المام في المنها.

DE SOR COMMENT

9 .

ه از مان می ۱۹۱۸ از این این این اما دیگر در این را اینگاهی ۱۳۱۰ و از این این این میداد دید به ایندهای این از هم در میداد داد

قرور پروکار رفاد میونید و دار در در به کرر ایدا اولیان شیرایت ده در در داد سرمینی های میدند. شیره فارد از این بدار ایک کران با دار و دار این از در شیرایت ده

. بدار در پیر ۱۹۱۰ قراطی و انتیان تمیاط و از تشریط اندر این مقدم از ۱۹ و از ۱۹ است نظاری قدار طاحیه ادارید ۱۹۱۰ ماری از این از معاروب داشت. در استان این میدیک شدن استان داشتهای دادند این استان این استان در استان این استان در استان این در

### THE PROPERTY AND RESIDENCE.

ده و می در می طرف چه به و مید صوط مدا از و مید به اند که هنگ بر ه میدا دندر و بودس ای آی طرف نیز داند نادگتر برنداز به کاهید و

مېدنياولتيمېدولاريان پولايدونو. مونوادولانيوناسيدواسيديوميانو

نان المانون (فروسان برار تغییر به راز بودس (شر

رای را اینده اشد را است. به این به سول در اینده شده های به به سه اشد را بید به آن به سول در در است شدود بید به می رواندس در این به این آن ایند را ایند در اینده شد در اینده بیده اینده با با بیده اینده با اینده اینده با اینده با اینده ای

# -----

Contract the contract of the c



ه والمداخرة عدائية في طائع والمواحظ ويترازي أن أن أن أن المائم المائم المائم والتي المائم المائم والتي المائم ا المائم والمائم المائم عن المائم والمائم المائم الم

#### خشار دی مستان دیان مستان داد دهد شاکله میسوده

الراحميد الشامة ومعالاً: في الله على الراحمية المتحدد المدارد على الإمار والم كال المور الله على الامارة المسال مع المهام الله والله والله والمحدد على المارة الله المواد والمحاومة المارة

الله الله مع خار عقم من خار الدولية من جانب خطيع الدين وي واستشاع البناء والدين الرب يام ما الطور و سيبون من الدول الشارة الا يسمون الدما الرباس، وعطون ما ومرواء يام

ا المحاولة في الرحمية في 200 كور في مواقعة الموافي (2000) بها المحاولة في في المحاولة في المحاولة في المحاولة في المحاولة المحاو مناهمان القواليديا المناج المدور المناف المراد والماث الومنان المرابط في المرابط المراد الواليات المراد والمراد والماثان

## -

سد از فرد مثل افرد اور متر استور بوق هارت پدرده اسا به تومه پسر قائز این مقها شدره و رفته سر شدن ، ومو پا در رستم اید سخه مساولونید از ماران ساید توفوید و را

ر موج التي المعربي 10 المستقدة على الطائل المستقدة على المستقدة المستقدة المستقدة المستقدة المستقدة المستقدة ا والمستقديمة والمراجع في التقديد والمستقدة المستقدة ال

-

المعلى ا

<sup>,</sup> which is the proof of the state of the st

#### many committee of the second designation

مستقرب على سود التكاو والسيدة عربي براول " راه يها و بشائر السيد" والتي شار بده عار بده الراحد ال راه يها الموارز عمر اليمي الدهيد" الراق عاربية واليمية والمعاد الراق الموارز المستقر الميارة الراق الراق الموارد الميارة الميارة الموارد الميارة ال

راو موجد باسع الرواند و العامل المناصور المناكل المناسبة الرواند. و. و مناصو من مراسد الها الرواند الراجيط معتمالة والمها الم يستح

میں ہے۔ ریال افضی مرض دھا سے در اوریت سنا سیورف یہ ہدرے یہ دار میہا فر انتزاز بھا ضرور یہ اور فر عل رمبار فی میعا ردھیا کا فقار الباد انڈ ارتزاز کر ہے۔

APPLY AND SHOW

د است. هو است تاتو ۱۵۰۵ (۱۳۵۰) معترف و دو ما و ماتو و تاتو ) معتدالتيس مي ۲۰ الماليات مدان مدان ويواد مال ولاد مالوي تركز كراك الماله

الدخل علياء (60 يافيم إن أيد طيد المدخل الي الع و أن

**جهين ن**اويز تنزيو ويدودات

ک مخطوع الیک و در صر الله عرفی سده از حق نام حسر بادی و بادی اگر باشید به آی شی نامانی بازی داشین الین باشیر می مشر بین در در بازیده ایران داشین بازید بازی و بازی این در الاران بازید نامی ما این داشده می افزار را رای راید و این بازی

القرارة عند التراب عند من القرار واسع و الوراية . را يضد إلى بوداً " را يضر ما و يضر و القلب رسم الله على بر طبية بمر القرار را يضر ما و يضر و القلب برا على من الوراية عند الوراية را ين منا من الوراية عن المرابع الوراية و الانتخاص الوراية و الانتخاص الوراية و الانتخاص الوراية و الانتخاص ال

الأيفر معيا ويلاغانه غلاسة لوصادات

THE A STATE OF THE PROPERTY OF THE PARTY OF

با در میرا بوضوستو هرا و تقدمتها برا برید تا و برد اید آن با فر شکر ای سر کان در سن کا فی می شدد تر مرد برد و از اسال طرف هرا دهد و ا در اید بسر هی و کان هرا و یک در و از طرف با در در در

الروستان بالمواقع المناس الله حراقية إلى الأوليسية الروسية الروسية المراس المناس المن

1 -

يداريكودشان وراكا مدخلن هداريد يدم التراش المدارد المياه بدريمان الرائية بمدار الرائية السريمان الدر بدريما على الله يطنها على "علم عائل عيد اليدارد الدر سية الرائمان عليا العاب بل عراقة ورجز جيد" ليدارة

سيده اللي منصفا عليها المطاب بإلى من الله فا و ينطر جيسة أليسة الا منام المناه و يعلم عيده عن بيرياء الإلكانية وقالة الماليكي – با يعن والإلام في المالية على مطالبة العراق في الميلام في مل عن يكي يكن الله المالية على الميلام ال

يكن به بالها قد الرقع المسروقية به والسراح بي أنها الأدبات الدينة الدينة الدينة الدينة الدينة الدينة الدينة ال المراقات و المهادي الموساني المراقات الدينة الذينة الموسانية الدينة المراقات الموسانية الدينة المراقات الم

ى ئىلىدىدى ئىلى ئىلىدى ئىلى ئىلىدى ئىلىدى



متاهمتها تقويمها تما والمايات المام المراجعة والمارات المراجعة بالمرافقات والله المدارات المايات الإيدالي مراجع على

----

#### and gar yang portion of the

الله الدولية المراق المراق المراق المراق الدولية بين يسيح الله الدولية الدولية الدولية المراق المراق الدولية الدولية

وهل القرار في مراح أمر مراة المراد

الرسام المام الطويق والوسورية الرائية وعال الوائد على المحكة

Market I







#### تجال كركيلة كركيا والمسالحة

ار اسر است خواه ایم بدیره شماره این است. اسراه می اساس ۱۸ میرای (۱۹ اینترا ۱۸ تا اینترا شراع کردر) است. به این برای ایستان اینترا از کیار شراع کردر) است. به اینترا اینترا در است. اینترا اینترا اینترا اینترا اینترا اینترا اینترا اینترا اینترا اینترا

راہ ہی داختی ہمترین سے مستخطہ زارا داکر مز خرید ہمتریات نے بھی اللہ سے کسی ان بھی

Annal (1)

3-4-4-



والمعاملة المواجعة المعاملة المعاملة والمعاملة والمعاملة

ده دوره در صبح بهروسه مسید کم هد امر شاهاند اگر دوله پختری کم مسید راه بهبر ساز مدی د افزاد که شودش منتجه کام شدی راه پهر آل پختار راه در اکام کام در در حصر باید دادر شده از شد اید خواند

شعب السيدود في محل إيلين من الإستينة الأثر ، يمن عا علم المشد في يتين عن عرب الالكام أو الأ

، هال خانور مر مهم ولك أمرج من يستهم لا مشار على الدوال وخال

مى دىر مى خاندا. دىدار مەنى بىر خاندىنى ئازى ئىدىدى دىدىن مەنىدىنى دار مار شار مىر خاند

عنی اندگر باشنده می آمواند خود اند در اعتیان با آن نشود باشتید و میدر می معتومی اعتیانی ایرس ایاب و آن خیر این که افزار این این کارد می اموان را می افزار انداز می عادیک جهاب عال علی از ایندر در اوامید عند الار افزار

الهم". رشد کار شدد که در در دادانه و در طریع است. داده شده

---



د مولید موسولیده فروانو دکرین فرک کیده فات ایند موادر در این مواد که در افزایش دادها

المُولِ عَلَيْهِ مَنْ وَجَعَدُ عَمْسَ فِي المَاسِعُ عَمْدُ عَدَّ الْرَيْقِ فِي الْمُسْتَعِقِّ فِي رَعْدِ الْمُعْلِّيْنِ فِي الْمِيْسِةِ فِي الْمُعْلِقِيِّةِ فِي الْمِيْسِ فِي الْمِيْسِ فِي

CONTRACTOR March



may your bearing out a soul for part systemics.

وردون ورخيكي والمتلافع مستحيل المتلاوم عبر

عقوب از دهار این از این استون این متحقه این از حقاط دران به گزارش ده بر مقرمی و بود سن قال متحقه آن استون به گزارش و از متر متحقه بر میکند برای دولوست «در به به از دول از این این متحق بر می شده برای در به به شد سنار به به این این این متحقه میچه و افزار از شمید ری نامه میچه از این این متحقه این افزار از شمید ری نامه میچه از این این متحقه این افزار از شمید ری

له والمديد والان مي مستويه طراف و متحكة ينفي في به عليه تصبح عزال به الله الدائع الرسم مستد الايه عيل من الورودية بي مستوية الموادي الورادية الموادية الانتهام الورودية والمائم في منافق الوالية والمستوية المائم والمتافقة والمتافقة والمتافقة والمتافقة والمتافقة والمتافقة المتافقة ال

مدر المحدود الها المحدود المح

And the Property of the Street Street

معوله معوده لابطال فالمواقع والموادع الكيليل في المسابقة المحاولة والموادع المحاولة والموادع المحاولة والمحاولة والمحاولة والمحاولة والمحاولة والمحاولة المحاولة والمحاولة المحاولة والمحاولة المحاولة والمحاولة والمحاولة والمحاولة والمحاولة المحاولة المحاو

#### البعد علم السعر اطبلتواط السعر اطبلتواط

الله المواهد الوساط المعامل في سورياد ( معرف بالمواجعة ) معا

بالقب واقع استر بسود" الدار الإدران واقع استر م هي مر حوام إلى في حال اشتر أن الراجع في حال مراح وهل في حل في خوام الدارة الي مراح الي من وجه أي مراح هن في في من الكافئي الإنهامية - 100 مساحل مراح والراجع الدارة المراحم المراحمة المراحمة الانجامة أي ما مدارك المراحمة المر

And the same of th

رود ۱۵ و در دود سن خزار شد کارش ره امد بخ در ده ادوم احد بسال سال می دهند در دود د میمان در می می داخی در دود ادر داد داد سر دست

الله المستقدة من والمراوع والمستروع المستروع ال

بر به ایمزیر این ریما یک اما این بر مسام می افتتر بهت بازی برز کر ریما می می ما بازی سم او از این با کیا می می برد این تکامل کیا می می می بدر پسر

> دخان داد طبقة السم

الشاملية المسرام الدعيمة أن 19 مل الوين الشياسة الدامة الدامل الدامة إلى عليمة وأثر والمباد المارة ويسار التي الماري الدي والتيارية معيدات

#### ...... د مدد سید دوموده دو دانویز ترکیکه

الرابع من مساعات براسم ند عبد المدار بها رد بدارات الرس مرابع بساعات بها الرابع الرابع الرابع ما بالرابع بين الرابع المساعات الم

حقق وازاره وزاده الاستراق الواقع ما القرمانيين عثر المسترات. المائل بيده المستراق من الإستراق المناسع معهد مزيديده وإذا المائلة مستدر والماق المراقعة من المسترد والدائل يستم.

رز از الدسيدة وقتل قد العراقية من السور، ولا كاريش ويساب. راز مشدر يكر بالله - رماد السناد كا القرارة الله سوية بي الراط عمل قد المرازة النسر كاراً صوبة كالفرق من فيد

رزید، بازار دار طرحی دارد مید دند آزاد می آمریان اسر مرکزی معرف باد، وجدست علی سیل (از مید راسی از دار ایکوری) دادسید مین مین مین میرد می افزارش شدگی استور داردید.

متروس بودس فراند فراند کنه متروس فرز در کشد و کنه متروسید جمعی اید مار در به از بدمی بارست در متحد و مدیر میرمی

> (0.1.10 (0.1.10) (0.1.10)

معيدة المال موادر ما المالغوال المادانية عواد عبد المعرب العالم المالغات المالغات المالغات المالغات المالغات ا مناد هي معادد مع العالم المالغات المالغات المالغات المالغات المالغات المالغات المالغات المالغات المالغات المال



#### ما مطابق القرار مية المادي الدي المراجعة المادي الراجعة الراجعة إلى سراس رياض طب واراد الراجعة المراجعة الراجة

والمنطقة المراقعة في المراقعة المنطقة في المنطقة المنطقة المنطقة المنطقة في المنطقة في المنطقة في المنطقة الم

رسول الفاقة كالوقوق الماضوق التي يناطقا ال القرار في الفرائل كالفرائل الروز الدراية الإيهوا الإيهوا الماضية والتشارعات وليس القرائدة إنسان الراج مراسس ما يدارد الأسر الدرائل عالى المراسس الأراض الروز الدرائل الماضة الماضة المساولة

100 to 10

And the second s



مرسموسومون فعرضو بالارتزاز كراري الراجع الازار فقيا ها الراجع في المقوامي الراجع الراجع الراجع المقارض المؤارك المقوامين الراجع الراجع الراجع المؤارك المؤارك

د المعال الدائرين الدائرية مناسات في طيعت وعديد المسر . ورجد في فريد الديد بدائرة بالدائد بالراض الراء

می بر عدر ایر شرخ استدین دهای امر متربع ترمید تهده ماید با باشده رساویای ادباری ایسان میهدر می رو

مهدار الشاهد المسواة ما من الداخلي من الشريعية عقد اليول من الراسعي ويوجه الله يعتر على اليامة و من علم الله عليه على عليه من من المراد على مار موران الإنكار مستدري من أمار السراحة الإنكار الأولان الداخلة الإنكار المراد الله الله المراد ال

> الوسلورية بالمرافقة عود الماديدة مواصورية والقرارات موادر والماول والا الوسلورات المرافقة والمرافقة مواصورية والمرافقة موادر والماول والا



## (x,y) = (x,y) + (x,y

#### يعرفوا مناطونه وقوممور خاومي، ودر جو " ولي معر

وبتان من الماضية ولي بكر التسامل"، والوجم الراحاتين جدايتان الرسسانية الماسران القيامة كا ويسيدا لعرب

الأمام برخامية برقاء إلا في المح المواقدة المستورات المراقبة المستورات المستورات المستورات المستورات المستورات المستورات المستورات المستورات المواقد المستورات المواقد المستورات المواقد المستورات المواقد المستورات المواقد المستورات المس

وه معار براکز اراضی خهدیدی از هزارسز لبرمیس

0.10 per 1959 pr

and the second



# The second section of the second section in the second section is a second section in the section in the second section is a section in the section in the section in the section is a section in the section in the section in the section is a section in the section in the section in the section is a section in the section in th

السرعية بعراد الراهير، ميسيستوسوب ياسب او الله بعرام الراج المصافدة إلك المهار المباد

پریج خاص از کاد از بیان به اسی به بیش به یه این به به نکافت در اسی ایان به به بیمه اما بیک در بس میان به این کاب بیمه مراد باش کا به از از کاب برد کاری ایان به کاب به نمه از کابان با بیمه این بیم کاب این اس کاب

و استان المدير الموافق المام المستود المستود المام الموافق المرافق المدينة الموافق المستود المستود الموافق الم الله المام المستود الموافق الم

ما و من مراح المساور و المناسبة المساور المناسبة المناسب

3

د ماراند مارسان و در و اور دائیز در <u>در کار ک</u>رد. مادار در در در در در دار کار کار کار شاه در در در

ن و دروی مسا قال دادهای بر مساحت معلی اسم برای و هر بر دادها واسخ بر هاستو فی کاستوان از بیوان شاک هاستر شی شهدند میز ملک در ساح دو اصد با شاک که برای کار داد او بگور کار ای سبه کارت در کار دادول فرسخی شاک که رواز دارد و شاک

ميد شرم واز مصر با يعني الكركار ولا الله والأم يكن به الم مي الكركار وماييد، ولا يعني عدد الإستانات بيدا أي المراجدة الميانات والمراجدة الميانات الميانات الميانات الميا والأمر المراجد والميانات والميانات الكركانات والمراجدة الميانات الم

روست هار آورمیتریکاندراسد بکتریکاند رفوستر طبقه به مندانهه از بیندیکا بکر، پدر مندسته کار از از پکت کم رفادس که از میشور معرف بدنی کارگ باز ادمی خرید کام دراسم مدینه عوام کا

رواز التفاقي "أونده فاح" مواسع ندم بنع فام الخط بهار القدام معدد الشعر "أون المدودة الواقع أن يدورة الاراقع المو مقددة القدارة الموراقي والمساحدة إلى الاراقع إلى المواسعة الموردة المواقع بقورة أنام إلى الموردة والموجدة الما أي نشدة الإراقة الأرداق كان يقدل الموردة الما الموردة إلى فعدة الرسانة فورداً".

ار والور هر مشرف ۱۸۱۸ هذا الاز در ومسواطر در اس

مطاعطی فرونی فرد و است و احض به بر بر ۱۳۳۳ یه گرامع شیدی و مطار مید و بدویت سیست از طور از مام اسم فقی برای برد استور این و فرار

مواند او در در در مواند استان برای در این این هده در ۱ وی امام افزار در او در موان و با در این میداد میداد در توان میداد راید شده افزار میداد از در استان از استان کرد در در با

And the second s

کی دور میں افراد پشتار براند بازیش نیز والدو نشری و معاشق فی میدوسر مسر بهای مسمو باشر او بست

ودسل (التعاقية بالتعاقية) بمتهرفة عنو التراطؤة
 لا في الاين ما خارقة عبد الداء عنو السر عن عني الايناء عنية السر عني عني الايناء عنية السر عني عني الايناء عالية المناطقة
 عنية ويساعة المناطقة
 عنية المناطقة

 $\sum_{i\in I} a_i \in \mathcal{G}_{i}(x_i) = \sum_{i\in I} a_i = \sum_{$ 

-0-

ه معاوله معوده الزموان فاعل والمواد القريش كر كل الديلة المحافظ المواد المحافظ المواد المحافظ المحافظ

والاستبادر كالراح مساطاح إستربيد أرعاد مدياط الوال

المعافرات الطبر المسرايين عليه الدر المراجع عالية معافر سراخواه إليان هذا أراد على الديس عبرة على على الدارية غربة بعن فرد العال الإنتشارة ما يتركن رايا يتنوية عبر عمر

#### ----

المراقع المراقع المراقع مراقع الرواحات المراقع المراق

\_

مشمطیرد تقریر دیا مشاوهه پرده ها دخر در روده پرده در اصلی دین شمیر دیل شد کید از کری مشار بر

مادانده شد از الهمران سومیم طر ۱۹۸۱ در مورد نم امسر از میرد مان افاق از بتور اثیر

ئنور برگیر و پشتریکا داران ده به طرد الاخت کا به دست می به مشار مشارهای بر کاشت به مید در به از رسید مشت باد و پستر مشارهای د شید در به از اینشو بسید در به داد شده بر مدید بر مهار مشارکای

د ما النظم مستود مرجان في المعلى والمدين مراحان المطل والله المهاد الماقل مراكز براه من المعلى المراح المواجعة من المراح الماقل المواجعة المواجعة المواجعة المواجعة المواجعة المعلمين المواجعة ا المواجعة المواجع

رس می در برخود باشد است را تحقیق را تشکیل بردا شد.

این می این می در این می

more personal.

-0-

مده است مدود دارم ای افتاق اولیو دانشویش فراند بیشته . به ای او ایند در سامه می سامه این از مورد میشد . به در این اطاق به این این این در است به مستود این و در این در این مورد این این این این در استود این این می خود میشود در افتاد این به دس این استود . با به مهار این استود باید .

نادي زائدة ... نة فلي إرانا

شامو طاموات والمنام عداد المال الم

## 404

هد شدان بورسکم استام دود فی نظارت الای باشد امتر ایا ریا داست کار خاص کی کار استام دولت باشد به خاص استان کرد می کرد سیاند دولت باشد باشد باشد که ایا به دا اگر ده ای مرسکم یکی استام دولت باشد به کار باشد می کرد دولت باشد باشد باشد استام دارای برسال استان به مساور این دولتهای از داد با ایا این دارای استان عدیم کام باشد کرد شد، شدم این میشان داشد و در این از داشد



THE A RELIGIOUS SHE SHE SHE SHE SHE SHE

على بعود الانتفاد و من العندي لك الأنب التناس ال الداء و الإنتاق العندي المناطق الداء

الوريان فر مورد رئم يعر بدامه چي ده " بهار است از مرسداند، وادم ديدان فاري يعني استوراد واوري من استود واديه واست ادار استم دار در است. دادم ادان بري کاد من مر وهاي بر ماي، واز من.

ما المراقل برق الله عن عمر وهان بر عالم والراعم. المراقل برق الله عن عمر وهان براهم و سام يعمر و ين يعمر فإل أي سام وطاله يعم فإن الراقل بروية عن الروهم الأول

production of the property

entra a

<sup>20</sup> may 200 may

<sup>.</sup> 



والمستوعد الهوار طاق والواحة وزير في كرانية ريبة في فلاطني ها، فان الكذافة لمن والمراسخ التسروفين عند المناشخ فإن يوسد أو القوائل عم سريد فإن القالة الإنسانية " فاراس عند عدوان ال

بینا میر فیدار کا ایستان بدر این مراف دار بدید شده سریه پیدرا سرکه فعید بدا فیده مدارستان زیاد فقید افغ که همار فکارسازد

خار هدر بالترشد اليافد بوراساً. • بدر يور دار مار سار كبال موار معاور زراس الشد.

شار پیدس پر آمریداز هاد بین فیصفیدات فار در زمان در ساخت بدا این دو از این شاند دیشتر شا این مداکات

والار صور بای بدارد." وای این مهمین حرب شده مراه می صفح، وی کار سب این دارد این در کا از درست فران می می موسوس بازد

The party of the p

The second section of the second secon

مطاور فارونية لما والديون والمائية من الرواد من الروائقي أقر فار المائية أي أقر المراثة والدواد إلى روائز ما روح إلى الدار المها الوائد والمراضوس الدوار إيراً:

#### مشرت

الورا عديد من الرفاة والعامج ، يعالج به من كالربطان الديد و معيد عدد الأماريس بها عدد عاصر، من العدد أي

الله في أو المناسبة المثالية المؤسسة في المساورية والماء المثالية المؤسسة في المساورية والماء المثالية المؤسسة المؤسس

المحمد المارات المحمد المراقع معم عرف بمنها المار المعار المعار بالما من

#### distriction with

يعرب موسود يريز بعدان مومؤه م

\_

40

آبر شدن و سار مداد به بها بورانو که روانان شاکه ایرید است اصدر دادام نیز آن بوره ای سال ایران از که استان به ایران شاک رسان ایران شرکت از دست را سار دادار استان به ایران شاک به ایران به ایران ایران شاکه با در شاک با در دادار ایران استان در ایدان شاک به دادار ساز سال با در دادار شاکه دادار دادار شاکه استان در ایدان شاک در دادار شاکل که دادار شاکه ایران شاکه در ایران شاکل در ایران شاکل در ایران شاکل در ایران شاکل شاکل در دادار به در ایران شاکل در ایران شاکل شاکل در ایران شاک

The state of the s

# --

ماهمانی فیزونیا شدو اساس در مرد رود هرمی بازد رخیاد روای وسود ریش دادی در دارده در از دراد این فاشتند رشتی بازد از این مرداد این فاشتند رشتی بازد بازد بازد رواید رفت رفت این فاشتا رسید این در این در

 $\begin{aligned} & \left\{ \begin{array}{ll} \left( \sum_{i \in \mathcal{I}} \left( \sum_{i \in \mathcal{I}}$ 

المعافرة وخاليات والمائة

هداشت مديند الزموان فعل الأمو مكورتين أو أرزي بالمراة المستأنا إلى الرائيسية بما يقو الأو أو أو أو أو الاست عاد يوسى الإموان المدافق الأموان الأموان الأموان وال مسيد والمراق المستدان المدافق الأوان المساد والمساد بدر والمراق بالمساد المسروحة الماد والمدافقة

ما المرافق ال

 از کو بر وابد افزار، حصد من دهد، واز میزد، برف یعید بید. وصحت و شاید و شیکت وابد او یی در مقدود وهید مقتل و مدیر شهید. وابد او یی دار نفر امی الاصف، بید، اش را وابد ای دارد.

و از بخرد کاروند رودید فر کر دیگیر فرده از بکوره عن بازند رود بود برد از چرد را رودی سیخ فرده می المعادلة التوجيع الما يوسه المعادلة الراجعة المعادلة المعادلة المعادلة المعادلة المعادلة المعادلة المعادلة الم

#### الموالية ووالوالية المريدي المايدي

والمندار بارطامل وعارا

هود المدينة الموافرة في والموادية ويتوافر المراكبة المرا

ر الرقيق المائية المائية من العالم المائية المائية المائية المائية المائية المائية المائية المائية المائية الم المائية في المائية الم

والامتيان بإلى الراحيات منتزر فيما أنه أطولة هد من من طراق الد والام درازه الامتراض فقد القابد بإلى وينصي هذا بها في الديد المرازع عالم وقد الهرميان في القوارة وإنافة والديد والمعاصر بالمرازة عالم وقد "الوالمان عليم الها الديد من والعارف معال

الود فا حض حوال الوده في مناطق فقال والان الديمي عمد يميز في مدير الان الإنجازية والديمة الما فيها في المديد الواقع المدير الويز ويجوزون في المدالة الديمة الواقع مناطق المراطق الانجازية الانجازية الانجازية الانجازية المدالة المدالة المدالة المدالة المراطق الإنجازية المدالة في المدالة المدالة

and the property of the contract of the contra

And the party of t



منا مطالبها القوالية المنا المنا والمراجعة الحرار والمنا المراد المراد

ر من فوادی در این با در این در این در این در می در در می در در این در این در این در می در می در در این در این در این در این می در این در این و این در در این در ای

ش)، والمتداديم ناح بهم فعارات

100,000,0

و امراد: راماندوندود امدار مادومورود:





ا چور مان اسمر من المسور والماد الل اسمره والتهاد، وهور مديا الرياد والمورد وارد المارا ، ويقد الرياد والمفرد والرياد

And the second s

الرمي والمدسومة والراويان المال

همی واست. بعدیده افتحادی شدود خدیده او با میشا در است. باقد برسان ای در بران داشتای شعب استیان در استیار اتراس وایش شعب الرسان از اداق ارس

## مرب موسومور مع والوستون الرائد الإي

على براضد برا ميخاليدي، فهر السنا في عابد خه، ام القياضي، بروما ليان الاصلامات

اوملکار در میدان کر سر پیند در میطاهیش داش. کمور اندر صداحات می میرس که در داشیانشید

ورود اینان ۱۳۰۰ د ۱۳۰۰ اینان فاق این فاکید ، آن پیدایش در اینان فاق افد

صور مين ميدي ، منطق و صداميدي لاسويين عور السداسير فاين عادادر الكي اطبياء برياد ابنايا 1974ء). 11 اص

در مع - کنورد فرور او پیدم هراز بخوارد در میش اصد واقع بر اصد اصدر اطاق شاد در مادر مقومه روس بروس ادارد

د بخرشتونسدهای بستان موافقی در بر برد. خدر در موافقات

- جەيۇمۇمۇرىنىدىكى ئەرىيىتىدە مەنولۇپلارلىق مەندىلىقى ئادىرىلىدە 1990-ي



may year down a saw a saw a comment

برياناوه الفود ۱۰۱۰م. والتاناولية ليين عدو سالو الدارا والوي.

ماري کورو ماني بر صد سجد باک در خود کام والوزي. پاهن (1954ء) 1989ء

سر آیاد انتخاب مل کیر من خشد این پیده است. پخشیر بر میشام کموا میشور از استانید شاه سکیا

رب اور خواج بالديد در جان الو مروستان باط التي الورستان رائد فاري الديد باكر بارد ا

خاني شهر مستقى در است صوري، هند مينانيد جادي، خان. براي الرفاعة والدوري الوسجية - القرب المانات. اليذب الفاد الر الرايزي، هند در است الردي شهرة المسترس

ار میدند در ایران اور داند برای داده ای این - ایدر خود اشد فرام این ایاب خوب خوا می خواد خی خید - ایدی از اعظار و صدار جانبهای کار انگلی ای دیوی

- بناح دود مر شور آی خراره صر طوی در می طوی. اینام صدر وی در امر داخت ادار خود میشاد



### 47 of Confirmation Statement and

- عياطسو الإيلي عاد موصف الفاعود المحاصلات والم
- مورين تفوره صداوه ميدين د. خا مين دين نقي. مورين تعود دود ميدين د. خا مين دين نقي.
  - على المحدد المدني - الله الكراء من البناني المدن عبر و من الكور ا - المد عدد عال ، وقود خاه عبر اللي الكور الكور الكور
  - والمعدد المعادم وقاع الله المعادم المعادم المعادمة الله والمعادر المعادمة
  - مع المثاني المثاني ، أنو مناط المدار إساعل بر إرافيم بر الفرد خاء در غول المهاد برورد المتات
- اللم الكار فران فرش، أو عالا فعد را أعد را أي كار أهرة عالم سر الجاري، فا دائر عام الكيد الراض
  - المحاصر وعدو الأحداد مودي بالأخواطاء المداد المودي المحاصر المداد المودي المحاصر المداد المودي المحاصر المداد المحاصر المداد المحاصر المحاصر

. .

المستعيد التوجيد المشارة المستوان في ترجعه التراثيمية الرحاء المشارة الراقاسة الرحاق التراكية

اد ها ماد در طاق بیرند ماز اصلی اضای او مطرسز استان میب پیجا مادید امیران رادمان اداد دادا میدانستان همد طاورد استا

مع النول الله على جائلة، جائلة ال المدار جائلة الامالة البناني ليورجيه، جائلية هاء، فاح

Appendix of the control of the contr

مرام مدام مدار شش عمر بنس، اد صور بنس د

ميس اينسي خاد در اطال بيرناد ۱۳۰ اما دهاد مسيح مشيخ مشيخ در شخيج أو طبق الاختراط الاختراط المبارئي أهل هم دواج مطاورات أن ما بلا در المراض المهاري المبارئي المبا

منافزيم سيرتبش في لوماميان لسان



مواد موسان بهای فام اکیمی فرکیکی می و اسم در مواد کار مرافق ادامه در بید در در در در می اماری

خود خیری بیره خان خوادی، کر مدارسار طاق در است در خور در کم خوادی خوان کون د مواد خوری در پرهم اشترای اد

ه ما، دریکه بروز مغود گرو کنای همرهای ایرفرد صرار حد برانسد بروجب کمان دریکونگ داد. دریکه طبعالب کان ۱۹۹۵

عود المتارخ والمراجع المتارخ ا والمتارخ المتارخ المتار

هم دوي در آميز ضمايي، آمد از خي از ميرانو هما اصماي ددني وييم هداي ميدي الرحاء رسيد مي دار دفيه طياطيات مالوز و دار دار في در رسيد در

. النسل في الكر والقود والنسل الل حرب على بن النساء بر سبب الوقعة الألكي النساء بالترسيل مثيلة الله عليه فعد على السبع القابود التحاف

د المحافظ و المراجع الكولي الما والتأثيث الما المراجع المراجع المراجع المراجع المراجع المراجع المراجع المراجع ا المرجعة المراجع المراجع

. اعول طب عل کاب او به احدید ، هدین ساخ بر صد باه. در این طبوع ، فریش ، شکاه امرینه اصیاب الاحات . انتقل فی صافحته است بر عمله اگر صد بیوان امر دیداند ر



may provide any sales and provide definition in

اسد بر مد بر فاد تشايق شدي خه ، در اکاب شنيد. بيرند داده نداده

تختلف من سعو خارق رموره الخارق في رميد خارق الاعتراق. او خاسم عمود بن عدر تغول ا عدار ال الهدي. الد بلد عداد دار بيده الاندام خير . بروده

الله بيان الله المناطقي ، أنو مصور ماج التي عمر والقي و عال القبلي المساني ، أقبق عال أسد عباقيتين وعلى عدد عنوس ، فاء ، فراعكم القبلة ، ورعد الدار ، 1914 ما 1970

. المار الدورية في مطورة أو المعاول المساولة في المواجعة الأصواع. الدورة الأولاني عام الرساس ويرداد (1914)

. همچ فادي در بيد اسد ر مطلب ليو ماليسر بر هند روانم باد هم الديد فياد فيسد ادريد، ديد

نابی د شنگه فریده سوید ۱۹۰۰ ما ۱۹۰۰ م - هم و فارد رسال فدید انام فد، در ساخ فیدن سورتزین هم در خبر شنگه امرید

المساور ۱۹۹۱ ما ۱۹۰۰ - عارضت فروی او میاده مدیر ایر بار شور و ساختم

هد، باد کارانسید بید. ۱۳۳۰/۱۳۳۰ - خور خیرهدراوی امیش از محرسر رای کردی

الدين المورد بود علي مصير ، فاد در اللهب المديد – يريد، مدد المديد ( ۱۹۷۰ م

اوليني، بيريده دادما دهام. اشد او حق او مياه اسد راضد در حق در خار براند اميني غيوه اسد ضد مای خه دار اشيد – اصه. دادما دادم

سام الزواع الدرافراره الدراموي الموي المورد سعة وراحد وراخرد المور معاول فهاي الحاء الرابيد الزام العرب ويداد 1911

اطور فی ایوب افرید رضان کشوند رضوند اطاعی مداند . مداختر در است در مداخر الاسیانی ایسانی شون عمره عمد فاسید در ایساند ایرانهم ماکن ، افراند شدستین ، آند شداد در دانمید دانشورد

ستوسطی - مانع خیب ۲ انسر داین از زی، کو میناد عد، بز صر عم - اندوز ماه در پیدادارد اندوزی، ویده ۱۹۶۱ - اندوز دای خیب از اندوز ، اندوز در عدد کمود

- طرحه از میب هزارد فرهب واستونی مشور و هد شور میرو معارضهای بدارد فرهب بیریده ۱۹۵۸ - مغیر اشد در فرس است را فرس در زارده فریس از این



ما معامل القراومية الماد و المحاد المجادر الوجات القرائل موجوع المحادث في عمر المجادل القرائل القرائل

ار المانسية المساولون الريس المانات وي المن مسيسة المان الدائمة وسرد فراد المن عام رامية الرائد المريد ويواد المعاند

بره باد در نقل بریده ۱۳۶۰م ویه از فرب شید مدوال در اقل او استاد نوره در بدانین خام اسداوری، هیدهد نقامی خاد نامه

لومية والمسرعة والمعالم الواشو على والمساعد ولايف أما يعالي طهادي، عاما والكما المسايد إليانا

And the state of the state of the same of